

ازدواج دارو نیست، تکامل است

بالا رفتن سن ازدواج در کشور می‌تواند در طولانی مدت به ضرر جامعه باشد، نخستین بازتاب آن بالا رفتن هرم سنی در کشور است.



سلامت نیوز: بالا رفتن سن ازدواج در کشور می‌تواند در طولانی مدت به ضرر جامعه باشد، نخستین بازتاب آن بالا رفتن هرم سنی در کشور است، طبق آمارهای اعلام شده از سوی سازمان ثبت احوال در سال 90 نسبت به سال 84، گروه سنی که بیشترین ازدواج در آن واقع شده، جهش پنج ساله ای دارد. در این میان سرعت افزایش سن ازدواج در زنان بیش از مردان است و این مسئله می‌تواند آثار و تبعات سوئی همچون تغییر الگوی باروری به دنبال داشته باشد. پیشی گرفتن شمار مردان در سن ازدواج نسبت به زنان، هشدار نگران‌کننده دیگری است که در صورت ادامه روند فعلی الگوی ازدواج در کشور، تا سال 97 رخ خواهد داد.

به گفته «علی‌اکبر محزون»، مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال، با اشاره به وقوع 787 هزار و 818 ازدواج در سال 84، در این سال 49/5 درصد مردان در سن 20 تا 24 سالگی و 43 درصد زنان در سن 15 تا 19 سالگی ازدواج کرده‌اند. باید توجه داشت که در سال 90 آمار مردانی که در سن 20 تا 24 سالگی ازدواج کرده‌اند با 38/9 درصد همچنان در صدر است، اما در عین حال این آمار 11 درصد نسبت به هفت سال قبل از آن کاهش یافته و بخشی از آن به گروه سنی 25 تا 29 ساله انتقال یافته است.

هرم سنی جمعیت کشور هم‌اکنون شکل متقارنی دارد و این بدان معناست که هم‌اکنون در هر گروه سنی، جمعیت زن و مرد تقریباً برابر است. او معتقد است: برابر آمار متوسط جهانی، به ازای هر 100 دختر، 104 پسر متولد می‌شود و این آمار در ایران هم به متوسط جهانی نزدیک است و به ازای هر 100 دختر، 105 پسر متولد می‌شود.

البته تعداد دختران و پسران در سن 25 سالگی تقریباً برابر می‌گردد. با توجه به این‌که کشور در دوره گذار سنی جمعیت به سر می‌برد، بیشترین جمعیت کشور در حال حاضر در گروه سنی 30 سال به بالا قرار دارد و به این ترتیب، جمعیت کشورمان که پیش از این در گروه سنی جوانی قرار داشت، هم‌اکنون وارد دوره میانسالی شده است.

باید توجه داشت که در سال‌های گذشته شمار مردانی که در سن ازدواج قرار داشتند، کمتر از زنان بود، اما این آمار در سال‌های 88 تا 90 به تعادل رسید و تقریباً جمعیت مردان و زنان در سن ازدواج برابر شد. در اصل با روند فعلی، شمار مردان در سن ازدواج تا سال 97، دو میلیون نفر بیش‌تر از زنان خواهد بود که با ورود جمعیت کشور به میانسالی، با توجه به اختلاف پنج ساله سن زوج و زوجه که در بسیاری از ازدواج‌ها رعایت می‌شود

به مرور اختلاف آمار جمعیتی بین زنان و مردان پدیدار می‌شود و اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، تا سال 97 تعداد مردان در سن ازدواج (20 تا 34 ساله) حدود دو میلیون نفر بیش از زنان در سن ازدواج (15 تا 29 ساله) خواهد شد. تغییر در برخی سیاست‌گذاری‌های کلان می‌تواند از بروز عدم تعادل در هرم جمعیتی کشور و مشکلات بعدی آن جلوگیری کند.

باید توجه داشت یکی از علل افزایش خطر مجرد قطعی در زنان رعایت اختلاف سنی چهار تا پنج ساله در اغلب ازدواج‌ها این چالش را تشدید می‌کند؛ این در حالی است که با ترویج «#171 همسن‌گزینی» در میان جوانان، آمار زنان و مردان در آستانه ازدواج به تعادل می‌رسد و پدیده‌هایی همچون پیشی گرفتن آمار مردان در آستانه ازدواج بر زنان، مهار می‌شود. همچنین افزایش سن ازدواج موجب افزایش خطر مجرد قطعی به‌ویژه در زنان می‌شود؛ به عنوان مثال اگر زنی تا سن 49 سالگی ازدواج نکند، مجرد قطعی محسوب می‌شود، چراکه پس از این سن، ازدواج او نقشی در افزایش جمعیت ندارد. طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سن ازدواج برای پسران 29 و دختران 28 است.

این اعداد و ارقام هر چه که باشد، از بالا بودن نامعقول سن تأهل خبر می‌دهد، سن ازدواج یکی از شاخصه‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد يك جامعه محسوب می‌شود. در کشور ما که هنجارهای دینی نزد عموم مردم از مطلوبیت خاصی برخوردار است و جوانان بخش غالب جمعیتی را تشکیل می‌دهند، این ارزیابی در حوزه اخلاق اجتماعی و روحیه جمعی هم مطرح می‌شود و دامنه تاثیر سن ازدواج را به حوزه‌های رفتاری و فرهنگی هویتی نسل جوان می‌کشاند.

بررسی سن ازدواج جوانان ایرانی در چند دهه اخیر، روند صعودی را نشان می‌دهد در حالی که سن ازدواج در سال 1354 حدود 25 سالگی بود، پس از چند دهه افزایش (جز سال 1365) در سال‌های اخیر برای پسران به 28 و دختران به 24 رسیده است. البته آمارهای متفاوتی در این باره ارایه می‌شود و طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سن ازدواج برای پسران 29 و دختران 28 است.

این اعداد و ارقام هر چه که باشد، از بالا بودن نامعقول سن تاهل خبر می‌دهد که بالطبع از جنبه‌های مختلف و به صورت پدیده به آسیب‌زایی در جامعه عرف‌پسند و هنجارطلب ما می‌پردازد. بررسی دلایل افزایش سن ازدواج و عوارض ناشی از آن که به مراتب گسترده محسوب می‌شود و ارایه برخی راهکارهای احتمالی برای بهبود وضع، در این باره با حسین فرش فروش روانشناس اجتماعی و مدرس دانشگاه به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

به نظر شما تشکیل زندگی مشترك یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی است؟

بله. من گفته‌هایم را با آیه قرآن شروع می‌کنم که به نوعی هم تحلیل شخصی و هم برگرفته از قرآن مجید است که در این آیه شریفه آمده است، «#171؛ انا خلقناکم من ذکر و انثی» و به این معنی که «#171؛ خداوند انسان را از مرد و زن خلق کرده است»، تعبیر شخصی من این است که خداوند وقتی حضرت آدم را آفرید يك نگاه به او کرد و دید این فرد به تنهایی آدم بشو و کامل نیست و به نسبت وقتی حوا را هم آفرید دید، این موجود هم به تنهایی کامل نیست و به این ترتیب آدم و حوا را در کنار هم آفرید خانواده را برای تشکیل زندگی و تکامل زندگی بشر قرار داد.

باید توجه داشت که خداوند آزمایش و خطا نمی‌کند بلکه خداوند از روی حساب و کتاب انسان را به شکل دو جنس مونث و مذکر آفرید و آنها را در کنار هم قرار داد تا به این شکل خداوند انسان را کامل خلق کرد؛ پس باید توجه داشت که تکامل انسان منوط به تشکیل زندگی مشترك است.

با توجه به مشکلات متفاوت اقتصادی، اجتماعی و افزایش آمار طلاق در جامعه به نظر شما مجرد در میان جوانان به‌ویژه دختران تبعاتی را در پی دارد؟

باید توجه داشت که همه روانشناسان در پاسخ به این سوال شما می‌گویند که مجرد ماندن مشکلاتی را برای افراد به دنبال دارد که این مشکلات عبارتند از: تبعات پزشکی، روانی و اجتماعی، آن هم به این دلیل که انسان خود به خود و به تنهایی کامل نیست. باید توجه داشت که این باور در اکثر ادیان الهی هم آمده است و ما حتی در دین مسیحیت باید ببینیم که به چه دلیل کشیش‌ها و راهبه‌های آنها به سنت عیسی مسیح ازدواج نمی‌کنند و بنابر سنت حضرت مریم ازدواج نکردند، اما در فرقه‌های دیگر همچون پروتستان و ارتدوکس در بین زنان و مردان مذهبی شاهد ارزش قائل شدن به پیوند ازدواج هستیم.

در حال حاضر در جامعه شاهد افزایش مجرد قطعی دختران در کشور هستیم، در خصوص تبعات این پدیده اجتماعی توضیح دهید؟

در اصل 5 علت وجود دارد که در جامعه ما دخترها ازدواج نمی‌کنند و مجرد می‌مانند، همزمان این 5 علت ممکن است ریشه‌دار باشد یا ممکن است یکی از علت‌ها برای مجرد افراد دخیل باشد. به عنوان مثال من سال‌ها پیش به بیماری دیسک کمر مبتلا شدم و به پزشکان مختلفی هم مراجعه کردم، پزشکان هم بر اساس تشخیص‌های خود راهکارهای گوناگونی را ارایه دادند، یکی از پزشکان به من گفت شما که به پزشکان مختلف مراجعه کردید کار خوبی انجام دادید

و درمان شما به مجموع راهکارهایی است که پزشکان به شما پیشنهاد کردند؛ من در حال حاضر می‌خواهم همین را به شما بگویم، 5 علت و راهکار وجود دارد که در ادامه خواهیم گفت تا این‌که دخترها مجرد بمانند و ما نمی‌توانیم بگوییم که اگر فردی ازدواج نکرده دچار فلان بیماری روحی یا جسمی شده و چگونه می‌توانید با این بیماری مبارزه کنید. اما بنابر آیات قرآن باید به افراد مجرد گفت که شما انسان محترمی هستید، اما کامل نیستید.

آیا ازدواج به عنوان يك راهكار و تكامل برای افراد محسوب می‌شود؟

باید توجه داشت که ازدواج بزرگ‌ترین و بهترین راهکاری است برای جلوگیری از مبتلا شدن دختران به بیماری‌های جسمی و روانی، اما در اصل نباید به ازدواج به عنوان دارو نگاه کرد و خیلی وقت‌ها می‌بینم که خیلی از دخترها و پسرها بر مبنای رفتارهایی که دارند این است که اگر دختر یا پسرها کم و کاستی در رفتار خود دارند، اگر ازدواج کنند اخلاقتان بهتر می‌شود.

این تفکر بسیار غلط است که ما ازدواج را درمان عصیان‌ها، مسائل و مشکلات جوانان بدانیم، ازدواج دارو نیست، اما برای دختری که مجرد است، ازدواج کامل‌ترین دارو است، اما در حال حاضر به عنوان يك معضل موجود در جامعه روبه‌رو هستیم، آن هم این است که دخترها به علت‌های گوناگون از جمله دلایل جسمانی (به این معنی که نیازهای مادیشان را خودشان تامین می‌کنند).

پسرهایی که مجرد می‌مانند اینها اولاً نیازهای جسمانی خودشان را بر آورده می‌کنند و به قول معروف دستشان به دهانشان می‌رسد و می‌توانند خانه‌ای مجزا تهیه کنند و زندگی مجردی داشته باشند. در اصل این افراد می‌توانند خورد و خوراک و دیگر هزینه‌های خودشان را تامین کنند و این افراد به ازدواج فقط از بعد جنسی نگاه می‌کنند و ازدواج را فقط از بعد بر طرف‌سازی نیاز جنسی می‌دانند.

اما باید توجه داشت که خیلی از دخترها و پسرها بر اساس فیزیولوژیك بدنشان، وراثت و اطلاعاتی که در کروموزوم‌هایشان وجود دارد، ممکن است تمایلات و نیازهای جنسی نداشته باشند، بالطبع وقتی که به ازدواج به عنوان يك فرآیند جنسی توجه می‌شود و وقتی این نیاز را در خودشان نمی‌دانند و درصد رفع این نیاز هم بر نمی‌آیند و با خود می‌گویند که چرا باید خودمان را درگیر زندگی مشترك با هزار دردسر و قسط کنیم، پس ازدواج نمی‌کنند.

به این ترتیب سن ازدواج هم که در جامعه بالا رفته پس شما حساب کنید که وضع جامعه و جوانان چه خواهد شد؛ در اصل باید در نظر داشت که از لحاظ روانشناسی و فیزیولوژیکی تمایلات يك دختر نوجوانی که 5 سال است که بالغ شده است با تمایل دختری که 30 ساله است، کاملاً متفاوت است و این به این معنا است

که تمایلات این افراد متفاوت است و شور و حال این افراد هم بالطبع برای تشکیل زندگی مشترك متفاوت است، در ضمن جوانان باید بدانند نخستین اتفاقی که با تاخیر ازدواج به وجود می‌آید بروز سرخوردگی‌هایی است که در جوانان امروز وجود دارد و افراد می‌گویند که من نیازی به ازدواج ندارم، دستم به دهانم می‌رسد و به چه دلیل باید ازدواج کنم!؟

بنابراین تنها دلیلی که دخترها ترجیح می‌دهند ازدواج نکنند کم بود کاهش یا عدم وجود تمایلات جنسی است. باید توجه داشت که افرادی که قوانین و طبیعت جامعه و عصر خود را نشناسد، بالطبع از لحاظ فکری ازدواج برایشان به مسئله ای غیر قابل هضم تبدیل خواهد شد و دیگر جوانان اقدام به ازدواج نمی‌کنند.

شناخت جامعه هم بر گزینش افراد تاثیر دارد؟

وقتی افراد به فکر ازدواج و تشکیل زندگی خانوادگی نباشند، این باور به وجود می‌آید که تشکیل زندگی مشترك دردسری بیش نیست، پس به این ترتیب جوانان دیگر اقدام به ازدواج نمی‌کنند. بنابراین یکی دیگر از علت‌های مجرد ماندن دختران ریشه در مسائل شناختی آنها دارد. به عنوان مثال شما دختری را در نظر بگیرید که در خانواده‌ای شاهد دعوا و مشاجره پدر و مادر با هم بوده است، پس به این ترتیب این دختر تجربه خوب و مناسبی از ازدواج و زندگی مشترك ندارد و با این شناخت ازدواج را فقط يك دردسر می‌داند. بنابراین تجربه‌ها خط مشی افراد را در زندگی مشخص می‌کند و می‌تواند در ازدواج موثر باشد.

چه عواملی بر شناخت افراد در جامعه تاثیر می‌گذارد؟

یکی دیگر از علل این‌که دخترها همچنان مجرد می‌مانند جو و شرایط اجتماعی است، باید توجه داشت که جو اجتماعی برخلاف شرایطی است که بر شناخت ما تاثیر می‌گذارد؛ به عنوان مثال در بعضی از گروه‌های دوستی دختران، اگر کسی به هر دلیلی نمی‌خواهد ازدواج کند، بالطبع دختران دیگر هم کورکورانه خود را عضو این گروه می‌دانند و از دوست خود کورکورانه تقلید می‌کنند، به عنوان مثال ما در کشور انجمن دختران مجرد داریم و هدف انجمن این است که دختران همچنان مجرد بمانند.

همچنین باید گفت که برای بعضی از افراد که در خانواده شرایطشان آن‌قدر که باید و شاید مطلوب نیست، این افراد بالطبع ترجیح می‌دهند به عضویت گروه‌های دختران مجرد بپیوندند، باید توجه داشت که در جامعه گروه‌هایی که زندگی مجردی را تایید می‌کنند در

مقایسه با گروه‌هایی که زندگی متاهلی را می‌پسندند، بسیار بیش‌تر است.

برای مثال من مراجعه‌کننده گانی را دارم که می‌گویند نمی‌توانند کارهایی را که در دوره مجردی انجام می‌دادند را در زندگی مشترک ادامه دهند و این افراد علاقه‌مند هستند که همچنان فعالیت‌هایی را که در آن دوره انجام می‌دادند را ادامه دهند، باید توجه داشت که این بینش نه تنها درست نیست بلکه اشتباه است؛ به عنوان مثال من مراجعه‌کننده ای دارم که در دوره عقد با هم بر سر این موضوع که آقای داماد شرط کرده هرشب از ساعت 9 تا 10 باید قلیان بکشد، حالا این خانم گفته که دیگر قلیان نکشد

این به این معنی است که فرد در دوران تاهل هم همچنان بر رفتارهای مجردی خود پافشاری می‌کند که این امکان وجود ندارد. باید توجه داشت که این رفتار گواه این حقیقت است که بعضی از جوانان همچنان مجرد می‌مانند این است که در دوران مجردی به آنها خوش می‌گذرد، حالا چه با اجازه خانواده یا بدون اجازه خانواده است. متأسفانه بیش‌تر دخترانی که مشکلات روانی برای آنها پیش می‌آید به این دلیل است که می‌گویند از فلان رابطه من مادرم با خبر است، آیا این‌که یکی از نزدیکان و افراد خانواده از رابطه آنها با خبر باشد دلیل بر این است که کار آنها درست است؟!!

در ضمن یکی دیگر از علل تجردهای دایمی در دختران را می‌توان از علل اجتماعی برشمرد. باید توجه داشت که علل عاطفی هم می‌تواند به عنوان تجرد در دختران محسوب شود، برای مثال در جامعه افراد بسیاری به این سخن معتقد هستند که عشق اول همان عشق آخر است و بسیاری از دختران که به بلوغ عقلی نرسیده‌اند از طریق بلوغ عاطفی می‌خواهند به بلوغ کامل برسند، غافل از این‌که رسیدگی به بلوغ عاطفی بالطبع بلوغ عاطفی را به تاخیر می‌اندازد و آن هم به این دلیل که این افراد به جنس مخالف علاقه‌مند می‌شوند و به این شکل دختران به طرف مقابلشان علاقه‌مند می‌شوند

و اسم این رابطه را عشق می‌گذارند، حالا در اغلب روابط افراد همسطح همدیگر نیستند و به قول قدیمی‌ها هم کفو همدیگر نیستند یا در خیلی مواقع طرف مقابل مکار و حیله‌گر است و فرد را با هزار وعده وعید می‌گذارد و می‌رود و انواع و اقسام دلیل‌های دیگر را می‌آورد؛ به این ترتیب فرد می‌گوید که جنس مخالف مناسب نیست، در روانشناسی به این طرز تفکر تعمیم فکری می‌گویند، در اصل باید به این افراد گفت که با یک گل بهار نمی‌شود، اگر روابطتان با طرف مقابل به هر دلیلی به سرانجام نرسید

این دلیل نمی‌شود که فکر کنید تمام انسان‌های کره زمین خدای ناکرده بد و بی‌معرفت هستند؛ به عنوان مثال خیلی از داروهایی که علم پزشکی ثابت کرده فلان دارو برای درمان فلان بیماری مناسب است، اما هنوز هم که هنوز خیلی از بیماران با آن دارو درمان نمی‌شوند و ما نباید از یک طرز تفکر تعمیم فکری دهیم. باید به دختر خانم‌ها گفت که اگر در یک رابطه عشقی به سرانجام نرسید، به این معنا نیست که جنس مخالف قابل اعتماد نیست. باید توجه داشت که اعتماد کردن و تکیه کردن به همدیگر یکی از اصول بنیادی برای تشکیل یک زندگی مشترک است.

آیا تشکیل زندگی مشترک در افراد به اعتقادات دینی آنها وابسته است؟

ریشه پنجم از دلایل عدم ازدواج دختران با اشاره به آیه قرآن ریشه معنویت انسان است یعنی جوانانی که تن به ازدواج نمی‌دهند به این دلیل است که ایمانشان سست است و هیچ دلیلی به غیر از ایمان سست ندارد حالا افراد می‌خواهند به هر دین باشند به عنوان مثال یک دین یا آیینی که پیامبران الهی داشته باشد یا در آیین‌های غیر الهی همچون بودا و زرتشت هم به ازدواج بسیار اهمیت داده شده است. از لحاظ دینی می‌توان به جرات گفت که کسانی که ازدواج نمی‌کنند ایمانشان سست است.

درباره فواید ازدواج بگویید؟

باید توجه داشت که مقوله ازدواج در خود راه‌حل‌ها و درمان‌هایی را دارد که عبارتند از: درمان جسمانی که منوط به برآوردن نیازهای جسمانی است به مراتب از تشکیل خانواده و مسائل جنسی بیش‌تر است. باید توجه داشت که با ازدواج بیماری‌های گوناگونی در افراد کاهش می‌یابد آن هم به این دلیل که با ازدواج و برقراری روابط جنسی هورمون‌ها ترشح می‌کند و به این ترتیب کارکرد بدن سالم خواهد شد. باید جوانان بدانند که عشق یک کلمه مقدس، اما عشق یک طرفه با خود فقط دردسر به همراه دارد و عشق اول هیجان‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هیچ وقت نباید عواطف و علایقشان را ارزان بفروشند.

منبع: روزنامه ملت ما